

روانشناسی اخلاق

- ۱- روان‌شناسی اخلاق و داوری اخلاقی را توصیف کنید .
- ۲- ارتباط اخلاق و روانشناسی را توضیح دهید .
- ۳- موضوع و هدف علم اخلاق را بنویسید
- ۴- دسته‌بندی مسایل اخلاقی از جهت منشاء فعل و عمل را شرح دهید
- ۵- روانشناسی اسلامی را تعریف کنید
- ۶- فرق علم اخلاق و علم فقه در چیست؟
- ۷- در «نظریه مبانی اخلاق» این دیدگاه را مطرح می‌کنند که حداقل پنج دامنه یا مبنای اخلاقی وجود دارد، این ۵ دامنه را نام ببرید
- ۸- نظر کانت راجع به ارزش اخلاقی کمک به دیگری چیست ؟
- ۹- اخلاق فضیلت را تعریف کنید
- ۱۰- منظور از شکاف میان معرفت اخلاقی و عمل اخلاقی چیست ؟

۱- موضوع دیگری که جدیداً روان‌شناسان اخلاق و اخلاقیون را به خود مشغول نمود ارتباط احساسات اخلاقی با داوری اخلاقی است. برخی از فیلسوفان، اعتبار یکی از آن دو تئوری اخلاقی را با تکیه بر این مسأله که آیا بعضاً مردم تمایلی به احساس گناه ناشی از نقض دستورات دارند، مورد توجه قرار داده اند. اما سایر فیلسوفان بر این اعتقادند که در برخی شرایط، گناه اجتناب‌ناپذیر است، جز این که آن واقعیت هیچ نشانه‌ای از تخلف به جای نمی‌گذارد. البته، گاهی از این مسأله بحث می‌شود که آیا گناه برای فعلی درست یا موجه انجام می‌شود، با این مسأله تفاوت دارد که آیا آن فعل، به واقع خطا است یا خیر. (مثلاً، آیا درست است که از آسیب دیدن شخصی در جریان تصادف ترافیکی ای که در آن، کس دیگری کاملاً مقصر بوده است، احساس گناه کنیم) اما سایر فیلسوفان در پی برقراری ارتباط بین احساسات اخلاقی و اخلاق هستند. آنها معتقدند که محو نشدن ظاهری احساس عصبانیت و دلخوری ما تا حدودی، یک اصل برای داوری انسانی در باب عدالت و عدم عدالت، ستودنی بودن و نکوهیدنی بودن، فراهم می‌آورد.

۲- روان‌شناسی را علم رفتار تعریف کرده‌اند رفتار یعنی واکنش‌های یک فرد در محیط و در یک زمان معین. هدف از این علم آن است که بتوانیم رفتار یا عکس‌العمل‌های خود و دیگران را در یک محیط و یک زمان خاص مطالعه کنیم. (۸) البته ناگفته نماند که روان‌شناسی دارای مکاتب مختلف (مثل رفتارگرایی، شناختی، تحلیل‌گری و...) و شاخه‌های متفاوت (مثل بالینی، اجتماعی، فیزیولوژیک و...) است، که طبق این مکاتب و آن شاخه‌ها تعاریف مختلفی برای آن ارائه شده که طبیعتاً هدف، مسائل و موضوع آن‌ها نیز متفاوت می‌شود، اما نمی‌توان ادعای عدم پیوستگی و عدم تعامل آنها را کرد.

۳- موضوع: نفس انسان از لحاظ متّصف شدن به صفات خوب یا بد می‌باشد. هدف: تکامل و تعالی انسان و تمامیت فضیلت‌های اخلاقی و رسیدن به قرب الهی است.

- ۴- ۱. رفتارهایی که منشأ آنها غریزه است: در این موارد فعل و انفعال‌های بدنی مستقیماً منشأ انگیزش و حرکت به سوی عمل (غذا خوردن) می‌شوند.
۲. رفتارهایی که منشأ آنها تأثیرات روحی مانند ترس، وحشت و اضطراب، که در روانشناسی انفعالات خوانده می‌شود.
۳. رفتارهایی که از گرایش‌های فطری مانند حقیقت‌جویی، کمال‌طلبی و میل به فضایل اخلاقی سرچشمه می‌گیرند. این میل‌ها منشأ بدنی و مادی نداشته، از عوامل مادی و فیزیولوژیک بر نمی‌خیزد و مبدأ و غایت مادی ندارد.
۴. رفتارهایی که از احساس‌ها و عواطف ناشی می‌گردند عواطف مثبت و منفی مثل انس، محبت، حسد، کینه.

۵- مطالعه منظم آثار پدیده‌ها و عملکرد نفس انسانی از تکوین جنینی تا حیات پس از مرگ با استفاده سنجیده از روش‌های متناسب، و موضوع روان‌شناسی اسلامی روح یا نفس انسانی است و مسائل و محتوای روان‌شناسی اسلامی را می‌توان بر بنیان دو محور نیازهای طبیعی و جسمی نفس از یک سو و شؤون وجودی آن از سوی دیگر شناسایی کرد

۶- دین یا قوانین الهی بر سه قسم است (۱۱):

۱. اصول عقاید (عقائد باطنی) و موضوع آن نفس از دیدگاه عقل نظری است.
 ۲. احکام فرعی و شرایع عملی و تکلیفی و موضوع آن نفس از لحاظ عقل عملی است.
 ۳. احکام اخلاقی و شرایع مربوط به نفس و موضوع آن نفس از لحاظ صفات و ملکات نفسانی است.
- پس علم اخلاق در قسمت سوم قوانین الهی جای می‌گیرد و علم فقه در قسمت دوم.
۲. تعریف علم فقه: علمی است که در آن از احکام کلیه شرعی یعنی واجبات و محرمات و مستحبات و مکروهات و مباحات از روی ادله اربعه (قرآن، سنت، اجماع و عقل) بحث می‌شود (قسمت زیادی از این بحث در توضیح المسائل مراجع آمده است)

۳. ترتیب اقسام سه گانه بدین صورت است که ابتداء آدمی پس از اندیشه و اجتهاد به اصول عقاید می‌گردد و مسلمان می‌شود آنگاه اسلام با دستورات اخلاقی، نفس هر مسلمانی را تهذیب می‌نماید. و انسان را برای پذیرش احکام عملی یعنی عبادات و معاملات و دیگر احکام آماده می‌سازد و اینجاست که فقه پا به صحنه می‌نهد و تکلیف و مکلف هر دو در قلمرو اعمال انسان تجلی پیدا می‌کند. البته این تقدم و تاخراز نظررتبه بندی است والا در عمل اساسا اخلاق پس از تکرار و تمرین اعمال صالح و رعایت حرام و حلال الاهی تحقق می‌یابد.

۷- مراقبت / آسیب ----- وفاداری / خیانت ----- انصاف / فریب ----- اقتدار / خرابکاری -----
تقدس / تنزل

۸- بنا بر نظر کانت، اگر شخصی از سر همدردی یا دوستی، در زمان احتیاج یا گرفتاری، به کس دیگری کمک کند، عمل آن شخص فاقد ارزش اخلاقی است؛ چرا که او آن عمل را از سر حس وظیفه شناسی و با توجه به قانون اخلاقی، انجام نداده است. بسیاری از متفکران حوزه اخلاق تلویحاً و یا تصریحاً معتقدند که چنین نظری راجع به فضیلت اخلاقی بسیار موشکافانه و مغایر با روان شناسی انسانی واقع‌گرایانه است.

۹- اخلاق فضیلت به مجموعه‌ای از فلسفه‌های اخلاق هنجاری گفته می‌شود که تأکید بر ذاتی بودن دارد تا انجام دادن. به عبارت دیگر، در اخلاق فضیلت، اخلاقی بودن ریشه در شخصیت یا هویت یک فرد دارد نه در پژواک اعمال (یا پیامدهای اعمال) آن فرد.

۱۰- منظور این است که چرا ما در عین حال که در بسیاری از موقعیت ها معرفت اخلاقی داریم، به مقتضای معرفت اخلاقی خود عمل نمی کنیم؟ چه چیزی در ذهن و ضمیر من جریان پیدا می کند و باعث می شود که من در عین حال که می دانم نباید دروغ گفت، دروغ می گویم. یا در عین این که می دانم باید متواضع بود، تکبر می ورزم و متواضعانه رفتار نمی کنم؟ چرا معرفت اخلاقی همیشه و لزوماً به عمل اخلاقی متناسب با آن نمی انجامد؟ چه برزخی در این میان هست که باعث می شود ما نتوانیم از معرفت اخلاقی همیشه و لزوماً به عمل اخلاقی گذر کنیم؟ چرا با این که در بسیاری از موقعیت ها، اگر نگوییم در همه آن ها، به لحاظ اخلاقی می دانیم که چه باید کرد و چه نباید کرد التزام عمل به آن نداریم؟ این شکاف میان معرفت اخلاقی و عمل اخلاقی ناشی از چیست؟ چه چیز این شکاف را پر می کند و چه چیز باعث می شود که کسی به محض این که معرفت اخلاقی پیدا کرد، به مقتضای آن عمل اخلاقی می کند، ولی دیگری این معرفت اخلاقی را دارد، اما در عین حال التزام عملی به این معرفت اخلاقی ندارد؟